

روز به یادماندنی

بچه های خوبم! امروز یه روز به یاد موندنیه. می دونید چرا؟ آخه امروز بعد از سال های سال، بالاخره مردم ایران به آرزوشون رسیدن. امروز روزیه که امام خمینی (ره)، پس از مدت ها دوری از وطن به ایران برگشتت تا دل همه مردم ایران رو پد ازشادی کنه. امروز بچه های خوبم! 12 بهمنه، یه روز خوب و به یادماندنی که هیچ وقت فراموش نمی شه. خیلی از پدرها و مادرهای شما در این روز، با دسته های گل به استقبال امام خمینی (ره) عزیزمون رفتن تا از نزدیک رهبرشون رو ببینن و با صدای بلند به امامشون بگن: ای امام! ای رهبر خوبی که سال ها منتظرت بودیم! خوش آمدی.



شادی پی نظیر

دوستای گل من! می دونم که همتون امروز شاد و سرحالید و می دونید که امروز چه روز بزرگیه. پله بچه ها، اگه از هر کدوم از شما بچه های خوب پپرسم امروز چه روزیه، فقط این جواب رو می دید: امروز 12 بهمن روز ورود امام به میهن. روزی که هر ایرانی دلش پد از شادی شد. حتما بچه های گلم، این رو هم می دونن که چرا همه ایرانی اون روز، خوشحال

و شاد بودن، مگه نه؟ آفرین آفرین به شما که همیشه چو باتون درسته. بله بچه ها، آخه امام با اومدنش آزادی رو به میهن آورد. ایشون اومدن تا به همه دنیا بگن که دشمن ظالم همیشه شکست می خوره و آدم های بد، همیشه نابود می شن. حال این شاخه گل قرمز رو که توی دستای منه تقدیم می کنم به همه شما بچه هایی که رهبرتون رو دوست دارید و امروز خیلی خیلی خوشحالید.

استقبال باشکوه

اون روز همه منتظر بودن تا اون بیاید و با خودش یک سپد پر از لبخند پیاره. فرودگاه تهران پر بود از جمعیت. اون قدر تعداد مردم زیاد بود که خیلی ها مچپور شدن تو خیابون های اطراف فرودگاه پایستن و منتظر اومدن اون مرد باشن. هیچ کس تا حال اون قدر مردم رو یک چا ندیده بود. خوب، حتما می دونید از کی حرف می زنم، بله بچه های خوبم! من از 12 بهمن حرف می زنم. روزی که هزاران نفر از مردم خوب ایران، منتظر اومدن امام خمینی بودن. اون ها همشون پادسته های گل جمع شده بودن تا به رهبرشون خوش آمد بگن. رهبری که سال ها از اون ها جدا بود و حال دوباره داشت به ایران برمی گشت. این روز پیاد ماندنی رو بچه ها! هیچ وقت فراموش نکنید.

قدردانی امام

بچه ها! امروز، یعنی 12 فروردین، پس از یه انتظار طولانی، بالآخره امام عزیزمون از راه رسید و هممون رو شاد کرد. امام پس از این که از هواپیما پیاده شد، رو به مردم ایستاد و با اونا حرف زد. امام خوبمون که حال میون مردم خوب و با ایمان ایران بود از همه مردم تشکر کرد. امام خوبمون اون روز، از همه کسانی که برای پیروز شدن این انقلاب زحمت کشیده بودن، از روحانیون، دانش آموزها، دانشجوها و معلما و همه و همه قدردانی کرد. امام اون روز از همه مردم خواست که با هم متحد باشن تا دشمن از سرزمینمون بیرون

بره. پس بچه ها! وظیفه ما اینه که این حرف امام رو آویزه گوشمون کنیم و همیشه این روز بزرگ، یعنی 12 بهمن رو به خاطر بسپاریم.

امام در تبعید

بچه های عزیزم! حتما پاره ها و پاره ها از پدر و مادرتون شنیدید یا این که توی کتابا خوندید که امام عزیزمون مدت های زیادی توی تبعید و دور از ایران زندگی می کرد. ببینم! تا حالا از خودتون پرسیدید که امام این همه سال کجا بوده یا دنبال پاسخ این سؤال بودید؟ خوب، امروز که 12 بهمن، یعنی روز ورود امام به میهن عزیزمون، ایرانه، بهترین وقته که در این مورد با هم حرف بزنیم. بچه ها! امام پس از تبعید از ایران، 11 ماه در ترکیه بودن و بعد از اون مدت 14 سال توی شهر نجف زندگی می کردن. یعنی شاه ظالم اجازه نمی داد که امام به کشور خودش و میون مردمی که دوستش دارن برگردن. پس از اون، امام خوبمون به شهر پاریس، پایتخت فرانسه رفت و مدتی رو هم اون جا زندگی کرد تا این که پس از سال ها مبارزه، روز 12 بهمن 1357 به ایران برگشت و همه رو شاد کرد.

امام در بهشت زهرا

می دونم که امروز خوشحالید و تا حالا کلی هم شیرینی خوردید. همه خوشحالن بچه ها! آخه امروز روزیه که امام عزیزمون به کشور پرمی کرده. اون سال ها، یعنی سال های اول انقلاب، همه چشم به راه امام بودن و با اومندش لب های همه ایرانی ها، پر از گل خنده شد. می دونید بچه ها! پس از این که امام وارد فرودگاه مهرآباد شد و اون همه جمعیت رو دید، از همه خواست تا به بهشت زهرا برن تا توی بهشت زهرا، در کنار مزار شهیدانی که برای پیروزی انقلاب چونشون رو فدا کرده بودن، برای مردم حرف بزنن. اون وقت همه مردم که به استقبال امام اومده بودن، به بهشت زهرا رفتن و به حرفای امام گوش دادن. امام اونروز با صدای بلند اعلام کرد: من از ملت دفاع می کنم. اون گفت که ما هرگز از

دشمن نمی ترسیم. امام به همه گفت که باید یادشدهای انقلاب همیشه توی ذهنمون باشه. بچه ها شما هم همیشه به یاد شهدای انقلاب باشید.

ترس دشمن از امام

هیچ می دونید آدمای بد همیشه از آدم های خوب و با ایمان می ترسن و از اونا وحشت دارن. بچه های گلم! امام هم یکی از مردان خوب و با ایمانی بود که دشمنان خیلی خیلی ازش می ترسیدن و دوست نداشتن اون به ایران و به میون مردم برگرده. برای این که با اومدن امام، دیگه اونا نمی تونستن به کارهای بد گذشتشون ادامه بدن، ولی پالخره به لطف خدا امام عزیز به میهن برگشت و همه آدمای بد مجبور شدن کشورمون رو ترک کنن و باید هم ترک می کردن؛ چون دیو چو پیرون رود فرشته در آید.

یک درس بزرگ

اون روز فرودگاه مهرآباد تهران پر از مردمی بود که از همه جا به استقبال امام اومده بودن. اونا به آسمون نگاه می کردن و منتظر بودن تا هواپیمای حامل امام به زمین بنشینه. پالخره هواپیما به زمین نشست و انتظار مردم به پایان رسید، ولی پیش از پیاده شدن امام از هواپیما، یه اتفاق افتاد که می تونه برای همه ما یه درس بزرگ باشه بچه ها. وقتی قرار بود امام و همراهانش از هواپیما پیاده بشن، به خاطر احترامی که امام به بزرگ ترها می گذاشتن، صبر کردن تا اول برادر بزرگشون، یعنی آیت الله پسندیده، که برای استقبال به داخل هواپیما رفته بودن، پیاده بشن و امام بعد از برادر بزرگترشون از هواپیما پیاده شدن.

جای خالی امام

دوستای گلم! هر سال در چنین روزی، یعنی روز 12 بهمن همه مردم جشن می گیرن و شادی می کنن. چون همه از اومدن امام به میهن خوشحالن. وقتی امام زنده بود، روز 12

پهمن همه مردم به چماران یعنی محل زندگی امام می رفتن و به امامشون تبریک می گفتن، ولی چند سال است که امام دیگه در پین ما نیست. فکر می کنید مردم حال چطور باید به امام خوبشون تبریک بکنن؟ پله بچه ها! حال هر سال مردم خوب کشورمون روز ورود امام، به کنار مرقدش می رن و باز هم به امام خمینی، رهبرشون می کنن که همیشه دوستش دارن و تمام مهرپونی ها رو به خاطر می سپارن.

دیداری دوباره

امروز، پیش از این که پیام این جا، احمد رو دیدم. احمد و رضادو تا از بچه های خوب هستن که به کتاب خونه کانون پرورشی میان و اون جا کتاب های زیادی می خونن. اونا درباره پیروزی انقلاب و امام خمینی (ره) خیلی چیزها یاد گرفتن، ولی امروز رضا همراه احمد نبود. احمد می گفت رضا امروز با پدرش به مرقد امام رفته. آخه می دونید. رضا خیلی امام خمینی رو دوست داره. چون که با خوندن کتاب ها فهمیده که امام چقدر برای مردم ایران زحمت کشیده. حال امروز که 12 بهمن، یعنی سالروز ورود امام به میهن اسلامی، به مرقد امام رفته تا روز ورودش رو تبریک بگه. رضا پسریه که قدر زحمات امامش رو می دونه. شما هم بچه ها! اگه می خواید امامتونو خوب بشناسید، می تونید درباره انقلاب و امام مطالعه کنید و چیزهای زیادی یاد بگیرید.

داستان های دوران تبعید

بچه های خوبم! امام خمینی مدتی از دوران تبعیدش رو در یکی از شهرهای کشور فرانسه به نام نوفل لوشاتو می گذروند. روزهای آخر پیروزی انقلاب، امام تصمیم گرفتن که به ایران برگردن. شب آخری که امام در اون شهر بودن، بعد از نماز مغرب و عشا، همه یارانش رو دور خودش جمع کرد و گفت: «ان شاءالله فردا قصد بازگشت به ایران رو داریم. من از دوستانم می خوام که کسی با من به ایران نیاد آخه ممکنه این سفر خطرناک باشه و اتفاقی پرامون پیفته. بذارید من تنها به این سفر برم تا اگر اتفاقی افتاد شما آسیبی

نپینید». امام همیشه به فکر همه مردم بودن. اون مرد بزرگ می دونست که ممکنه این مسافرت پر از خطر باشه، ولی اون قدر به مردم کشور عشق می ورزید که همه خطرها رو به چون خرید و به ایران اومد. امیدوارم که همیشه حرف های امام و رفتار امام رو به یاد داشته باشیم.

قدردانی از امام

فردای اون شب، قرار بود تا امام از فرانسه به ایران پیاده مردم شهر کوچک نوفل لوشاتو اونقدر به امام علاقه مند شده بودن که تعداد زیادی از اونا با دسته های گل به دیدن امام اومده بودن و از این که امام قصد داشت اون شهر رو ترک کنه، خیلی خیلی ناراحت بودن و حتی گریه می کردن. امام وقتی ناراحتی اونا رو دید پشون گفت: «من تو این مدت که این جا بودم باعث دردسر شما شدم». وقتی مردم این حرف امام رو شنیدند باز هم به شدت گریه کردن.

همدردی با مردم ایران

بچه ها! امروز می خوام داستان یه فداکاری رو براتون بگم. سال های پیروزی انقلاب که مردم کشورمون هنوز در حال مبارزه با شاه بودن، یعنی سال 1357 توی فصل زمستون هوا خیلی خیلی سرد شده بود و مردم به خاطر کم بود نفت، نمی تونستن خودشون رو گرم کنن و معپور بودن سرما رو تحمل کنن. توی این سال ها، امام خمینی تو کشور فرانسه در تبعید به سر می برده. وقتی امام شنید که مردم ایران چنین وضعی دارن، با این که توی اون شهر هوا خیلی خیلی سرد بود، دستور داد تا وسایل گرمازا رو از خونه خارج کنن. امام خوب و فداکارمون می خواست او هم مثل مردم ایران سرما رو تحمل کنه تا به یاد اونا باشه. درود بر رهبر بزرگمون امام خمینی(ره).

امام، عاشق مردم

بچه ها! تا حالا شده مدتی از خانوادهتون دور بشید. اگر دور شده باشید، حتما دلتون خیلی تنگ شده و دوست داشتید هر چه زودتر به خونه برگردید. دوستای گلم! امام خمینی هم مدت ها از مردم ایران که مثل خانواده او بودن دور شده بود و خیلی دلش میخواست به ایران، پیش دوستانش برگرد. وقتی یکی از خبرنگارها از امام پرسید، فرودگاه ها بسته شده و اگه شما بخواهید به ایران برگردید، ممکنه آدم های زیادی کشته بشن. آیا باز هم می خواهید به ایران برگردید؟ امام خمینی، رهبر بزرگ ما جواب داد: «من باید پیش برادرهایم باشم تا اگر قرار است که خونم ریخته شود در بین دوستان خودم و همراه با جوان های ایران بریزد.»

نگین حلقه مردم

می آید از دور
با یک بغل گل
می آورد او
یک باغ سنبل
بر چهره او
لبخند پیدا است
یعنی که امروز
یک روز زیباست
وقتی که آمد
لب ها شگفتند
با رهبر خود
صد نکته گفتند
آن روز رهبر

مثل نگین بود

در حلقه ما

او بهترین بود. حبیب مقیمی

جشن انقلاب

می دونم شما بچه های خوبی که به مدرسه می رید، این روزها تلاش می کنید تا توی تریپن مدرسه به هم کلاسی هاتون کمک کنید. آخه این روزها روزهای پیروزی انقلابه و همه مردم ایران به خاطر این پیروزی بزرگ جشن می گیرن و از خدا برای این لطفش سپاسگزاری می کنن. تمام دانش آموزا، سعی می کنن تا مدرسه رو خیلی زیبا تریپن کنن. اونا می دونن که این جشن، جشن خیلی خیلی بزرگیه. شما چی بچه ها؛ پله همه شما می تونین برای پیروزی انقلابمون جشن بگیرین. شما بچه های کوچولوی گلم هم می تونین روزهای پیروزی انقلاب رو در کنار پدر و مادر یا دوستاتون جشن بگیرید و شادی کنید. دهه فجر بر شما هم مبارک باشه.

خاطرات انقلاب

فاطمه دختریه که داستان های زیادی درباره روزهای انقلاب از پدرش شنیده. آخه پدر فاطمه خانوم یکی از کسانی بوده که توی مبارزه ها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت می کرده. اون خیلی چیزها درباره امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی می دونه. حالا اون هر وقت به عکس امام نگاه می کنه، داستان هایی رو که پدرش از روزهای انقلاب پرانش گفته، به یاد میاره. اون می دونه که مردم ایران چقدر امام رو دوست داشتن و همیشه به حرف او گوش می دادن و بالاخره با فداکاری پیروز شدن. اون خیلی دوست داشت می تونست امام رو ببینه، ولی وقتی فاطمه به دنیا اومد، دیگه امام بزرگمون در بین ما نبود، ولی فاطمه یاد و خاطره امام رو همیشه زنده نگه می داره. اون امام و همه مردم مبارز کشور ایران رو دوست داره.

رهبری بی نظیر

بچه ها! شما بچه های گل ایران، می دونید که این روزها، یعنی روزهای دهه فجر، همه جا جشن و سروده و همه به هم تبریک می گن. راستی بچه ها! شما فکر می کنید که راز پیروزی انقلاب چی بود؟ شما فکر می کنید اگه مردم به حرف های رهبری مثل امام گوش نمی دادن. آیا پازم موفق می شدن؟ نه بچه ها. پیروزی انقلاب به خاطر رهبری امام و فداکاری مردم بود. امام هرگز از دشمن نمی ترسید و با شجاعت مردم رو برای مبارزه راهنمایی می کرد. همه مردم ایران امام رو دوست داشتن و به فرمان های او عمل می کردن. این بود که انقلاب ما پیروز شد و پس از سال ها تونستیم دشمن رو شکست بدیم و آزاد باشیم. پس به روح رهبر عزیزمون درود می فرستیم.

شعارهای مردمی

«مرگ پر شاه»، «درود پر خمینی»، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، حتما شما بچه های کلم این شعارها رو این روزها از تلویزیون می شنوید. آره بچه ها. همین طور خیلی شعارهای دیگه ای که مردم، روزهای انقلاب سر می دادن و با شاه مبارزه می کردن. روزهای انقلاب، کوچه پر بود از صدای مردمی که به تظاهرات اومده بودن، زن و مرد، پیر و چون، کوچیک و بزرگ. همین طور دیوارها هم پر بود از شعارهایی که با رنگ روشن نوشته می شد. بالاخره همه مردم تلاش می کردن تا با فریادها و شعارهاشون، به شاه بگن که باید از ایران بیرون بره؛ چون مردم شاه رو نمی خواستن. پس بچه ها! حالا توی دهه فجر یاد و خاطره همه مردمی که برای آزادی ایران تلاش کردند رو گرامی می داریم.

جشن واقعی

دوستای کلم! می خوام به سوال از شما بپرسم. بپنم شما تا حالا مزه پیروزی رو چشیدید یا نه؟ مثلاً فرض کنید چند روز دیگه امتحان دارید. شما برای این که بتونید

نمره خوبی توی این امتحان بگیرید. چه کار می کنید؟ خوب معلومه، حتما خیلی خیلی تلاش می کنید تا نتیجه زحمت هاتون رو بگیرید. دوران انقلاب، هم این چوری بود بچه ها؛ مردم اونقدر تلاش کردن و زحمت کشیدن تا تونستن مزد زحمت هاشون رو بگیرن و پیروز بشن. حتما می دونید که این پیروزی چقدر لذت داره نه. واسه همین جشن دهه فجر یه جشن واقعیه. جشن و شادی برای یه پیروزی بزرگ. می دونم که حتما شما هم توی این جشن ها شرکت می کنید. امیدوارم پرتون خوش بگذره و خدا رو هم به خاطر این پیروزی شکر کنید.

حکومت نظامی

خوب گوش کنید بچه ها؛ «هیچ کس حق نداره از این ساعت به بعد به خیابون ها بیاد. اگر کسی توی خیابون دیده بشه دستگیر می شه.» نه بچه ها. با شما نبودم. این دستوری بود که سرپازای شاه تو روزهای پیش از پیروزی انقلاب داده بودند. می دونید به این دستور چی می گفتن؟ شاید شنیده باشید. به این دستور، دستور حکومت نظامی می گفتن؛ یعنی این که بعد از یه ساعت معین، هیچ کس نمی تونست از خونه خارج بشه و اگر کسی از خونه بیرون می رفت، دستگیر می شد و مورد آزار و اذیت سرپازای شاه قرار می گرفت. کمی فکر کنید بچه ها! می بینید روزهای انقلاب چه روزهای سختی بوده؛ و مردم چقدر سختی کشیدند تا ما امروز آزاد و سرپلند باشیم.

راز بزرگ پیروزی

خوب نگاه کنید دوستای من! این تکه چوب به راحتی تو دستای من می شکنه، ولی این دسته چوب ها رو ببینید، من هر چقدر تلاش کنم نمی تونم اینارو بشکنم. این درسیه که شما از بزرگ تراتون شنیدید و یا توی کتاب ها خوندید. همیشه وقتی یه عده دست به دست هم بدن، موفق و پیروز می شن. این یه راز بزرگه. یکی از دلیل های پیروزی مردم خوب ما هم همین بود. اونا به این راز بزرگ عمل می کردن؛ یعنی همیشه با هم

بودن، و همین باعث پیروزی اونا بردشمن شد. بچه ها دوران انقلاب درس خوبی برای ما که همیشه یادمون باشه باید وحدتمون رو حفظ کنیم. راستی اگه با هم نباشیم و وحدت نداشته باشیم چه اتفاق های بدی ممکنه بیفته؟

بچه های انقلابی

بچه های گلم! شما اگه تو روزهای انقلاب بودید چیکار می کردید؟ تا حالا به این موضوع فکر کردید؟ می دونم که همه شما دلتون می خواست، اون روزها بودید و همراه با بزرگترهاتون توی تظاهرات و راهپیمایی ها شرکت می کردید، ولی حالا هم می تونید بچه های خوب و انقلابی باشید. همین که شما قدر پدر و مادراتون رو که اون روزها بودن و مبارزه کردن بدونید و همین طوره حرف رهبرتون گوش کنید، مثل اینه که دارید برای پیروزی انقلاب مبارزه می کنید. می دونید چرا؟ چون دشمن هنوز هم منتظره تا ما رو شکست بده، ولی شما بچه های خوب انقلابی می تونید دشمن رو ناامید کنید. با خوب درس خواندن، عمل به دستورات خداوند و تلاش برای پیشرفت، می تونید دشمن رو شکست بدید.



یاد شهیدان

بچه ها حالا چند سالی از اون دوران گذشته. دورانی که شما هنوز به دنیا نیومده بودید. بله دوستای خوبم! از دوران انقلاب حرف می زنم. روزهایی که هزاران نفر چو نشون رو

برای پیروزی انقلاب فدا کردن و به شهادت رسیدن و حال در میان ما نیستن تا جشن بزرگ انقلاب رو هر سال تماشا کنن. فکر می کنید وظیفه ما چیه بچه ها؟ ما باید چی کار کنیم؟ بزرگ ترین کار برای قدردانی از این شهیدان بزرگ، اینه که به یاد اونا باشیم و کاری که اونا انجام دادن فکر کنیم. کار بزرگی که ما رو از ظلم و ستم دشمن نجات داد. اونا با شهادت خودشون آزادی رو به ما هدیه دادن. پس درود می فرستیم به روح همه شهدای انقلاب اسلامی و می گیم: در بهار آزادی جای شهدا خالی.

روز نیروی هوایی

مبارک! مبارک! آره، دهه فجر رو می گم. روزهای خوب پیروزی. دوستای گلم! امروز 19 بهمن و هفتمین روز از روزهای دهه فجره. می دونید 19 بهمن سال 1357 چه اتفاقی افتاد؟ پله بچه ها. تعداد زیادی از افراد نیروی هوایی پیش امام رفتن و از مردم و از انقلاب حمایت کردن. اونا در مقابل امام رژه رفتند و با خوندن سرود انقلابی به امام اعلام کردن که با رژیم شاه مبارزه می کنن و دیگه از شاه و نوکرای او اطاعت نمی کنن. اونا اون روز اعلام کردن که از این به بعد، سرپازای امام خمینی هستن و فقط به حرفای امام عمل می کنن. این روز بزرگ و پرافتخار رو به همه افراد نیروی هوایی تبریک می گیم.

روز شادی امام

بچه ها! امروز روز 19 بهمنه. توی این روز اتفاقی افتاد که باعث شد دل امام شاد بشه. می دونید دوستای کوچولوی من. امروز افراد نیروی هوایی ارتش یعنی خلبان ها و سرپازهایی که اون چا خدمت می کردن، پیش امام رفتن و با امام بیعت کردن. می دونید یعنی چی؟ یعنی این که اونا در اون روز اعلام کردن که ما هم با مردم هستیم. اونا هم می خواستن مثل همه مردم که برای پیروزی انقلاب مبارزه می کردن، از این روز به بعد با رژیم شاه مبارزه کنن. و این باعث شد که امام عزیزمون شاد و خوشحال بشه.

روز پیروزی

بچه ها! آی بچه ها! خوب گوش کنید! صدای چپه؛ درختا رو ببینید. پرنده ها رو که چقدر شادان و توی آسمون ایران آزاد پرواز می کنن. کمی فکر کنید. مگه امروز چه خبره؛ بچه ها امروز 22 بهمنه. می دونم که همتون شاد و خوش حالید. آخه امروز روز پیروزی انقلاب اسلامی ماست. روزی که مردم خوب ایران پس از سال ها مبارزه تونستن شاه و رژیم پهلوی رو شکست بدن. پس نه تنها پرنده ها خوشحال و شادان و آواز می خونن که هر ایرانی امروز دلش پر از شور و شادیه. من این روز بزرگ رو به همه شما تبریک می گم.



معنی انقلاب

بچه های خوبم، هیچ می دونید انقلاب یعنی چه؛ من امروز معنی این واژه رو برای شما می گم. اگر کسی که تا حالا کارهای بدی انجام می داده و از این به بعد تصمیم بگیره دیگه کار بدی انجام نده و واقعا آدم خوبی بشه، اون آدم خودشو تغییر داده و به انقلاب کرده. مردم ما هم بچه ها! وقتی دیدن رژیم شاه ظلم و فساد به راه انداخته و مردم مسلمون و با ایمان رو دوست نداره، به رهبری امام خمینی تصمیم گرفتن رژیم شاه رو شکست بدن تا اوضاع تغییر کنه. پس انقلاب کردن و پیروز شدن. امروز، یعنی 22 بهمن هم روز پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایرانه. این پیروزی بزرگ مبارک باشه.

وقایع روز 22 بهمن

چه غوغایی! کاش بودید و می دیدید بچه ها، اون روز رژیم شاه دستور داد که هیچ کس حق نداره از خونه خارج بشه؛ یعنی حکومت نظامی اعلام کرده بود، ولی رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی(ره) که حالا به کشور برگشته بود به مردم گفت که به حکومت نظامی اعتنا نکنن. و به خیابون ها بیان و با تظاهرات، باز هم به رژیم شاه اعتراض کنن. اونوقت بچه ها! فکر می کنید مردم چیکار کردن؟ آره، آره درسته همه مردم به خیابون ها ریختن و به فرمان امام گوش دادن و همه پادگان ها و مکان های نظامی رو از چنگ رژیم شاه در آوردن. حالا دیگه همه جا در اختیار مردم بود. تا این که در پایان اون روز، یعنی روز 22 بهمن همه طعم خوش پیروزی رو چشیدن.

توکل به خدا

بچه ها! احمد پسر کنجکاویه و می خواد همه چیز رو بدونن. دیروز وقتی احمد داشت تلویزیون تماشا می کرد، شنید که مجری تلویزیون، پیروزی انقلاب اسلامی رو به همه مردم تبریک می گه. احمد رو به پدرش کرد و پرسید: پدر چی باعث شد که مردم ما توی انقلاب پیروز بشن. پدر احمد که خودش، تو زمان انقلاب برای پیروزی اسلام، مبارزه کرده بود، لبخندی زد و به عکس امام که روی دیوار قرار داشت نگاه کرد. اونوقت گفت: پسرم! امام خمینی رهبر بزرگی بود که به ما یاد داد با توکل به خدا و ایمان می تونیم دشمنمون رو شکست بدیم. احمد اون روز دونست که توکل به خدا و تلاش مردم باعث پیروزی انقلاب ایران شده.

قدردانی از شهیدان

امروز روز 22 بهمنه. دوستای خوبم! امروز یه چیزى شنیدم که می خوام برای شما هم تعریف کنم. امروز صبح وقتی سمیه خانوم که توی کلاس سوم درس می خونه وارد مدرسه شد، دید که خانوم معلم با همه هم کلاسی هاش، شاخه های گلی به دست گرفتن و منتظر اون هستن. بچه ها! شما فکر می کنید اونا می خواستن چه کار کنن؟ بچه ها! می

دوید، پدر بزرگ سمیه توی روزهای انقلاب شهید شده و حال که روز پیروزیه انقلاب، همه تصمیم گرفتیم به گلزار شهدا برن و از پدر بزرگ سمیه که برای آزادی اونا جونش رو فدا کرده قدردانی کنن. آفرین آفرین به بچه های خوب و با ایمان ایران.

روحانیون مبارز

دوستای خوب و گلم! همیشه باید یادتون باشه که از کسایی که برای شما زحمت می کشن و تلاش می کنن قدردانی کنید. امروز هم روز 22 بهمنه، روز پیروزی انقلاب اسلامی. روزی که بالاخره تلاش و کوشش و مبارزه های همه مردم ایران نتیجه داد و با یاری خدا انقلاب ما پس از سال ها مبارزه به پیروزی رسید. بچه ها خوبه بدوید که روحانی های شجاع و با ایمان، نقش خیلی مهمی در پیروزی انقلاب داشتن. اونا بودن که با شجاعت برای مبارزه با دشمن پیش قدم می شدن و به مردم روحیه می دادن تا از رژیم شاه نترسن. پس امروز روزیه که ما باید از روحانی های خوب و شجاع تشکر و قدردانی کنیم. این پیروزی بر همه مبارک باشه.

دشمن شکست زده

ببینم! تا حالا شده بیه اتفاق عجیب رو ببینید و پاورتون نشه؟ خوب چه حالتی بهتره دست می ده بچه ها؟ اون روز هم برای دشمن همچین حالتی داشت. روز 22 بهمن رو میگویم. روز پیروزی انقلاب. اون روز دشمن نمی تونست پاور کنه که مردمی که هیچ سلاحی نداشتن، در مقابل سربازای مسلح رژیم شاه، پیروز بشن. بچه ها! آخه مردم ما فقط با دست خالی و شعارهاشون و توکل به خدا و اتحاد تونستن دشمن رو شکست بدن. دشمنی که همه سلاح ها رو در اختیار داشت. اون روز دشمن، شکست زده، در حالی که نمی تونست این واقعیت رو پاور کنه، عقب نشینی کرد و پا به فرار گذاشت.



روز تبریک

امروز روزیه که واقعا باید به هم تبریک بگیم. به مردم خوب ایران، زنا، مردا، پیرها، چوونا و همه کسایی که توی دوران انقلاب بودن و برای پیروزی انقلاب تلاش کردن. می دونید بچه ها! روز 22 بهمن، وقتی انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. دسته دسته مردم پیش امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب رفتن و این پیروزی رو به او تبریک گفتن. همین طور از

سراسر جهان برای امام خمینی پیام تبریک می فرستادن. آخه اون روز یه روز بزرگ و تاریخی بود.

گرچه در زمستان بود
چون بهار بود آن روز
سرزمین ما ایران
لاله زار بود آن روز



مثل غنچه بود آن روز

غنچه ای که رونیده



در هوای بهمن ماه

پر درخت خشکیده



مثل آب بود آن روز

آب چشمه ای شیرین



چشمه ای که می بیند

مرد تشنه ای غمگین



گرچه در زمستان بود

چون بهار بود آن روز



سرزمین ما ایران

لاله زار بود آن روز



روز خنده ی ما بود

روز گریه ی دشمن



روز خوب پیروزی

بیست و دوم بهمن



۲۲ بهمن مبارک

نیایش

بچه ها! پیاید امروز، یعنی روز 22 بهمن، روز پیروزی انقلاب، دست هامون رو به آسمون بلند کنیم و همه پا هم دعا کنیم:

خدایا! انقلاب اسلامی ما رو که برای به دست آوردن اون زحمت های زیادی کشیده شد، حفظ کن.

خدایا! حال که امام خمینی رهبر انقلاب از بین ما رفته، روح بلندش رو از ما راضی نگه دار.
خدایا! اگه دشمن قصد داره به کشور ما و انقلاب ما آسیب برسونه، خدایا اونو ناامید کن.
خدایا! ما بچه های ایران رو یاری بده تا بتونیم راه شهیدان انقلاب رو ادامه بدیم و از انقلاب اسلامی پاسداری کنیم. الهی آمین.

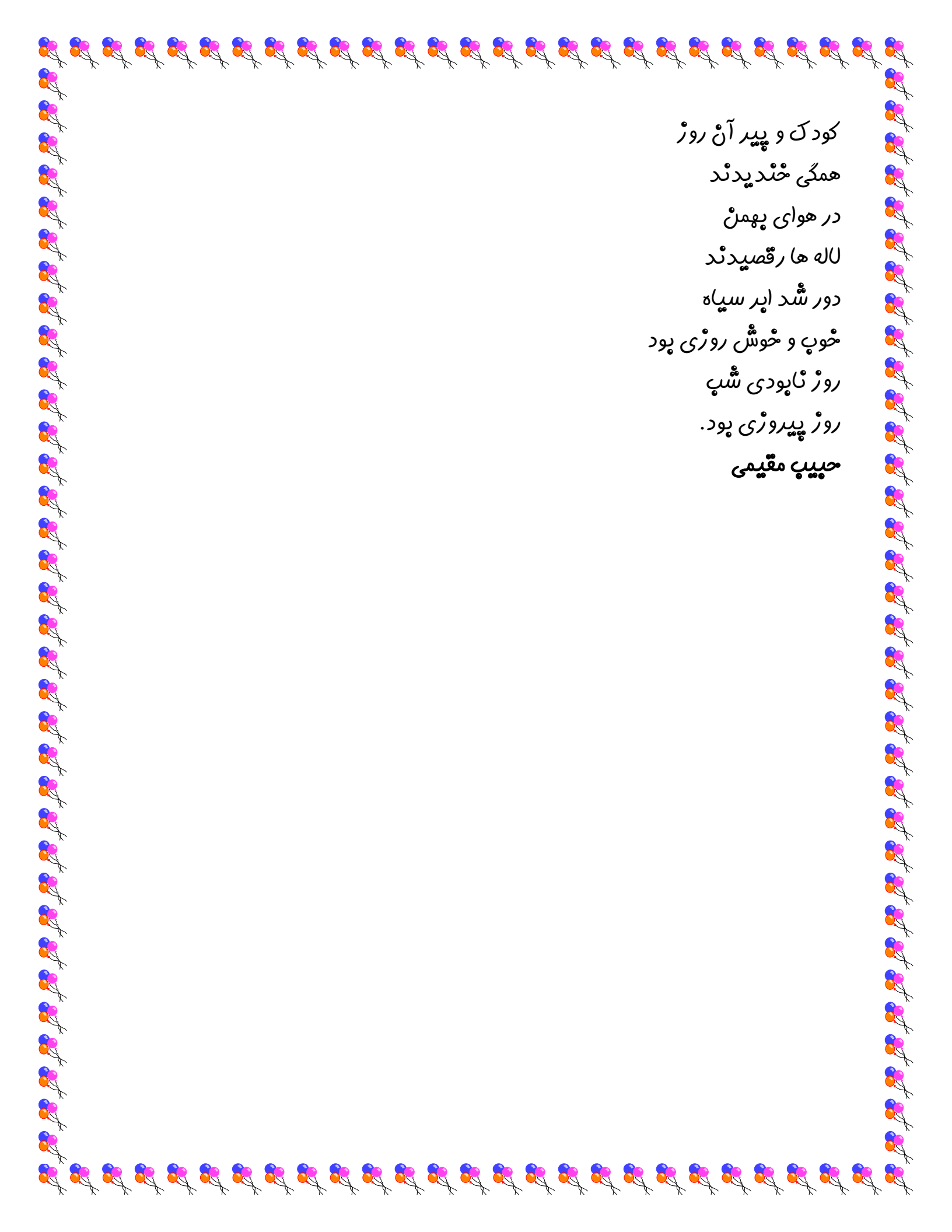
نابودی شب

آمد آن روز پدر

گل لبخند به لب

گفت آمد خورشید

خشک شد چشمه شب



کودک و پیر آن روز
همگی خندیدند
در هوای پهن
لاله ها رقصیدند
دور شد ابر سیاه
خوب و خوش روزی بود
روز نابودی شب
روز پیروزی بود.
حبيب مقیمی